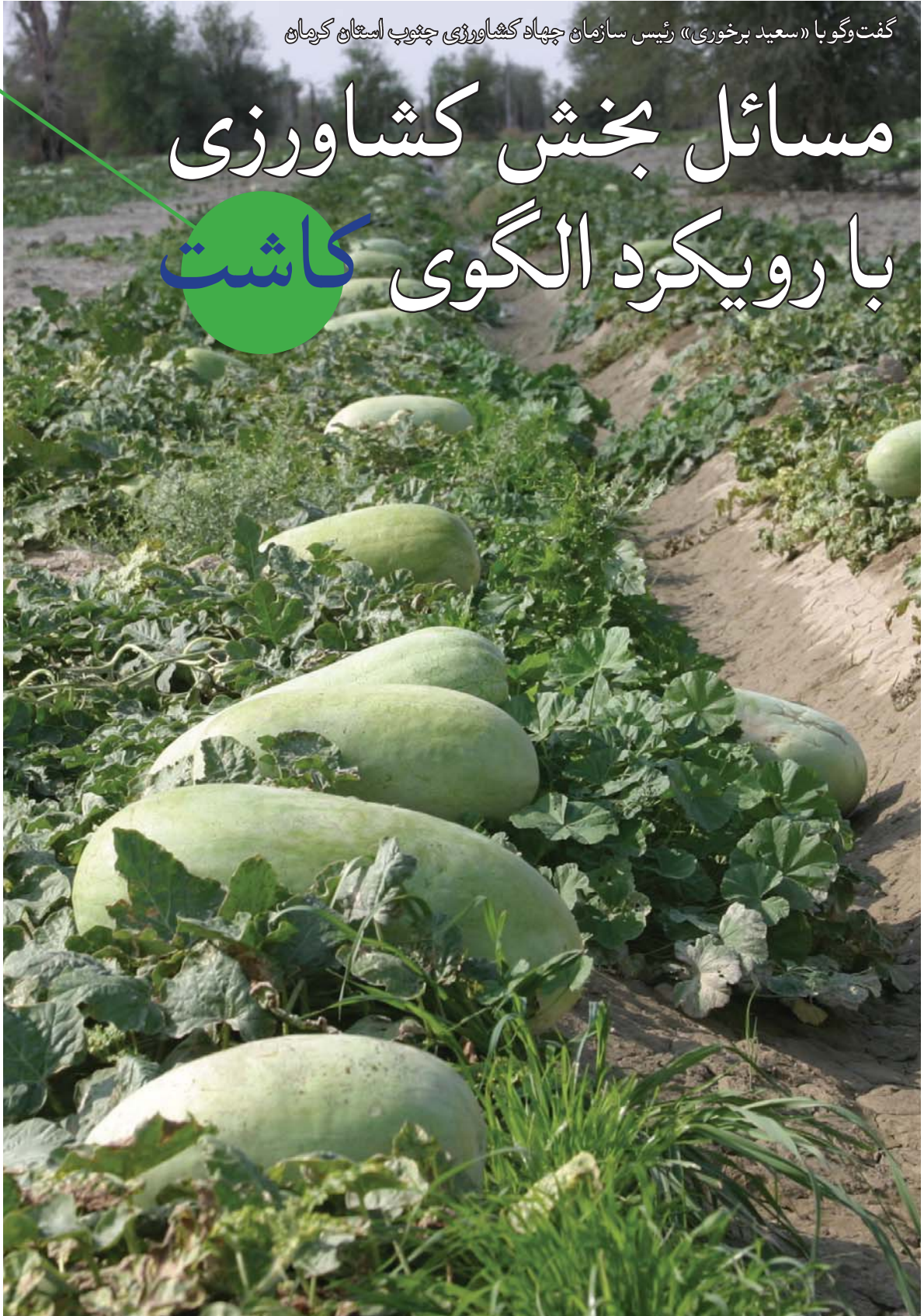


گفت‌وگو با «سعید برخوردار» رئیس سازمان جهاد کشاورزی چغوپ استان کرمان

# مسائل بخش کشاورزی با رویکرد الگوی کاشت





### استان کرمان در برگبرنده حدود ۲۵ درصد باغات کشور است، با نگاه به الزامات توسعه پایدار، این ظرفیت را بالقوه و بالفعل چگونه ارزیابی می‌نمایید؟

درواقع الگوی تولیدات باغی در استان طی دهه‌های گذشته براساس ویژگی‌های اقلیمی، سازگاری گونه‌های باغی، دانش بومی و مزیت نسبی محقق گردیده است، اما به لحاظ توسعه فن‌آوری‌های تولید، تکنولوژی، به‌نژادی و به‌باغی و ارقام و گونه‌های پرتانسیل خلأ عملکرد (فاصله عملکرد موجود با عملکرد پتانسیل) قابل توجه می‌باشد. پیر بودن و مستهلک شدن باغات مرکبات، نخلستان‌ها، باغات پسته و درختان سردسیری ناشی از استمرار خشک‌سالی‌ها، تغییرات اقلیمی و پیامدهای اکولوژیکی مترتب بر آن، شیوع امراض و آفات مزید بر علت می‌باشد. در این راستا تأمین منابع و سرمایه‌گذاری در جهت ارتقای بهره‌وری عوامل تولید با حفظ اولویت و تأکید بر مدیریت منابع آب‌و خاک، بهینه کردن سطوح کاشت جایگزینی و استفاده از ارقام اصلاح‌شده پربازده و مقاوم به تنش‌های زنده و غیرزنده محیطی، همزیستی با خشکی و خشک‌سالی، استفاده مؤثر از دانش بومی در راستای فن‌آوری به باغی، مدیریت تلفیقی امراض و آفات، تغذیه متعادل تنوأم با توسعه خدمات پس از تولید ضمن پایداری تولید می‌تواند نویدبخش افق تازه‌ای در توسعه بخش کشاورزی و اقتصاد استان باشد.

### به نظر شما تغییر سیاست‌های کشاورزی و اقتصاد عمومی دولت‌های آمده چه تأثیری بر روند توسعه بخش کشاورزی داشته است؟

هرچند در کلیه برنامه‌های توسعه‌ای دولت‌های مختلف تاکنون از بخش کشاورزی به‌عنوان محور توسعه یادشده است، اما در عمل چنین چیزی عینیت نداشته است؛ چرا که با وجود این که ۲۶ درصد از اشتغال و ۱۷ درصد از درآمد ناخالص داخلی کشور به بخش کشاورزی اختصاص دارد،

آقای سعید برخورداری رئیس سازمان جهاد کشاورزی جنوب استان کرمان در گفت‌وگو با ما از عدم تناسب میزان سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی با میزان انتظارات بخش و اهمیت امنیت غذایی، عدم توسعه متوازن و همه‌جانبه بخش با نگرش اولویت‌بندی‌های متفاوت و نا هم‌راستا، نظام‌مند نبودن سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌های بخش کشاورزی در دولت‌های مختلف و تأثیر تغییر نگرش‌ها در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها و در نتیجه اهداف بخش، بالا بودن ریسک کشاورزی در مقایسه با سایر بخش‌های اقتصادی، خرده مالکی، مسائل مربوط به بازار محصولات کشاورزی، مسائل مربوط به الگوی کشت، مسئله بسیار مهم آب و ... به‌عنوان اشکالات، مشکلات و چالش‌های بخش کشاورزی یاد می‌کند. او در باب قوت‌ها و ظرفیت‌های بخش کشاورزی منطقه جنوب استان کرمان می‌گوید که این منطقه در تولید بیش از ده محصول زراعی و باغی رتبه‌های اول تا سوم کشور را به خود اختصاص داده است و یادآوری می‌کند که قبل از انقلاب اسلامی مجموع سطح زیرکشت و تولید منطقه به ترتیب ۲۴ هزار هکتار و ۳۸۰ هزار تن بوده است که امروزه در سایه تلاش کشاورزان و برنامه‌های اجرایی جهاد کشاورزی، افزایش ۱۰ برابری سطح زیرکشت و ۱۶ برابری تولید محقق شده است.

او همچنین می‌گوید که سازمان جهاد کشاورزی منطقه جنوب استان کرمان در جهت اصلاح الگوی کشت گام‌های بلندی برداشته است؛ برای مثال طی چند سال گذشته با مدیریت سطح زیرکشت و جایگزینی گونه‌های جدید، ۱۸ هزار هکتار در سطح زیرکشت محصولاتی چون هندوانه، گوجه‌فرنگی و ذرت را کاهش داده و با ارتقاء عملکرد در واحد سطح، میزان تولید منطقه را افزایش داده و پایداری نموده است و در راستای توسعه کشت‌های فشرده بیش از ۲۴۰۰ هکتار گلخانه‌ای انواع محصولات جالیزی و صیفی ایجاد نموده و ده‌ها گونه زراعی و دارویی استراتژیک، اساسی و لوکس را وارد چرخه تجاری منطقه کرده است. او تأکید می‌کند از آنجا که الگوی کاشت، یک فرایند زمان‌بر و الزاماً فراگیر است، به‌منظور پایداری تولید و جلوگیری از هرگونه زیان احتمالی بایستی همه استان‌ها با محور قرار دادن کشت تقاضامحور در جهت پایداری تولید و افزایش و تضمین منافع کشاورزان گام بردارند. در ادامه دعوت می‌کنیم این گفت‌وگوی مفصل را مطالعه نمایید.

### در مورد اراضی قابل کشت و سطح زیرکشت به تفکیک زراعی و باغی و میزان تولیدات محصولات مهم استان، عملکرد در هکتار و مقایسه عملکرد با متوسط کشور، توضیحات، آمار و اطلاعاتی را ارائه نمایید.

براساس آخرین آمارنامه رسمی، سطح زیرکشت و تولید زراعی و باغی منطقه جنوب استان کرمان به این قرار است:

سطح زیرکشت زراعی ۱۶۰ هزار هکتار و مقام بیستم کشور، تولید زراعی دو میلیون و نصد هزار تن و مقام دهم تولید کشور، سطح زیرکشت باغی ۸۴ هزار هکتار، میزان تولیدات باغی یک‌میلیون و دو بیست و سی هزار تن است. یادآور می‌شود که این منطقه در خصوص سطح زیرکشت و تولید بیش از ۱۰ محصول زراعی و باغی مقام‌های شاخص اول تا سوم را به خود اختصاص داده است.

■ ظرفیت و پتانسیل تولید و نرخ بازدهی واحد بهره‌برداری، با توجه به شرایط اقلیمی، سازگاری و طول فصل رشد، میزان بهره‌برداری و تولید در واحد سطح بهره‌برداری از محصولات سبزی و صیفی مذکور در مقایسه با محصولات استراتژیک و حمایت شده قابل مقایسه نمی‌باشد، برای مثال در جنوب استان کرمان در شرایط مقایسه‌ای یک سال زراعی، میانگین تولید گندم، پنج تن در هکتار می‌باشد و این عدد برای سیب‌زمینی ۸۰ تن، پیاز ۱۱۰ تن و گوجه‌فرنگی ۴۰ تن است، ضمن این‌که واحد اقتصادی بهره‌برداری سبزی و صیفی، یک هکتار با یک نفر اشتغال و برای گندم ۵ هکتار با ۰/۲ نفر اشتغال در هکتار می‌باشد که از نظر بافت فرهنگی و نظام خرده مالکی مهم می‌باشد،

■ وابستگی اقتصاد تولید محصولات سبزی و صیفی به‌صورت عامه به شبکه بازار،

■ عدم وجود اهرم اجرائی و قانونی در اختیار بخش دولتی جهت مدیریت و کنترل کاشت،

■ وجود بازارهای هدف خارجی سنتی برای محصولات مذکور،

■ با توجه به نرخ بازدهی سرمایه و درآمد خالص بهره‌بردار برابر ارزیابی‌های انجام شده، میزان مقبولیت کشت و ریسک تولید محصولات مذکور در مقایسه با محصولات تضمینی و حمایت شده قابل مقایسه نمی‌باشد، زیرا:

■ کشاورزان خرده مالک متکی به نیروی کار خانوار با قیمت تضمینی و سر به سر متحمل زیان نمی‌شوند،

■ در بحث کشاورزی استیجاری نیز به لحاظ بازارهای کاذب، صادرات اغلب میزان تولید و درآمد حاصله هر دو تا سه سال یکبار، ضمن پوشش زیان‌های سنواتی، درآمد قابل قبولی را برای بهره‌بردار محقق می‌کند که کشاورزان در شرایط مقایسه، ریسک را می‌پذیرند.

○ **طرح‌ها و برنامه‌های اجرایی جهاد کشاورزی استان در زمینه اصلاح الگوی کشت منطقه تا چه اندازه سبب بیشینه کردن منافع کشاورزان و پایداری تولید آن‌ها شده است؟ اگر ممکن است برای نمونه مثالی بیاورید.**

■ قبل از انقلاب مجموع سطح زیرکشت و تولیدات منطقه به ترتیب ۲۴ هزار هکتار و ۳۸۰ هزار تن بوده است. افزایش ۱۰ برابری سطح و ۱۲ برابری تولید در سایه تلاش و مشارکت کشاورزان و برنامه‌های اجرائی جهاد کشاورزی محقق گردیده است.

■ اثرگذاری بسیاری از برنامه‌های اجرائی جهاد کشاورزی در بحث تولید و الگوی کاشت، ملی و فرا منطقه‌ای بوده است، برای مثال تا اوایل دهه هفتاد، هم‌ساله در زمستان ارز قابل توجهی برای واردات سیب‌زمینی و پیاز از کشور خارج می‌گردید، اما در حال حاضر ضمن رفع نیاز داخل، بخشی هم به بازارهای خارجی صادر می‌گردد و موجب ارزآوری می‌شود.

قبلاً کشت‌های غالب این منطقه در حوزه زراعت شامل گندم، جو، برنج، پنبه، حبوبات با تولید در حد خودمصرفی جمعیت آن زمان بوده است که در ادامه به لحاظ تغییر شرایط اقلیم و محدودیت منابع، برخی منسوخ گردیده است، اما امروزه بیش از ۸۰ گونه زراعی - تجاری با میزان مازاد بر نیاز منطقه‌ای تولید می‌گردد. در بحث ارتقای عملکرد در واحد سطح و ثبت رکوردهای ملی و حتی جهانی در تولید برخی از محصولات به‌وضوح

اما میزان سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی از اقتصاد کشور حداکثر ۲۰ درصد بوده است، ضمن این‌که در بحث استانی و منطقه‌ای به لحاظ موقعیت و شاخص‌های اقتصادی این تفاوت و خلأ فاحش‌تر می‌باشد. برای مثال در استان کرمان که بیش از ۳۴ درصد از اشتغال و ۳۰ درصد از اقتصاد به بخش کشاورزی وابسته می‌باشد، میزان سرمایه‌گذاری ۶ درصد است، در حالی که در سایر استان‌ها سهم بخش کشاورزی از منابع استانی حداقل ۱۰ درصد می‌باشد. اگرچه در بحث تأمین امنیت غذایی و خوداتکائی در برخی از محصولات استراتژیک و حمایت شده، دستاوردهای مطلوب و مناسبی حاصل شده است و بیش از ۸۰ درصد نیاز داخل تأمین می‌گردد، اما با توجه به پتانسیل و ظرفیت‌ها، بهره‌وری عوامل تولید به‌ویژه در بحث مدیریت منابع پایه، با شرایط مطلوب و شاخص پایداری مناسب نمی‌باشد و توسعه بخش با نیازمندی‌ها و روند رو به رشد جمعیت فاصله دارد.

چرا که:

■ در مقایسه با سایر بخش‌های اقتصادی، میزان سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی در مقابل میزان انتظارات و اهمیت امنیت غذایی مناسب و متوازن نبوده است. باوجود این‌که در سخت‌ترین شرایط اقلیمی، تحریمی و محدودیت منابع سرمایه‌گذاری نرخ بازدهی و رشد اقتصادی بخش کشاورزی هشت درصد بوده اما در بحث اولویت‌گذاری و تخصیص منابع به بخش، چنین نبوده است،

■ عدم توسعه متوازن و همه‌جانبه بخش به دلیل وابسته بودن مدیریت، سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی به دستگاه‌های مختلف بخشی و فرابخشی با نگرش و اولویت‌بندی‌های متفاوت و نامرستار،

■ نظام‌مند نبودن سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌های بخش در دولت‌های مختلف از آنجایی که روند توسعه در بخش کشاورزی یک پروسه بلندمدت مبتنی بر مبانی فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی می‌باشد، هرگونه تغییر نگرش در بحث سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی، اهداف بخش را متأثر می‌سازد. نمونه بارز آن طرح محوری گندم، خوداتکائی دانه‌های روغنی طی ۴ برنامه توسعه تاکنون.

○ **هرساله نوسانات شدید در بازار برخی محصولات کشاورزی به‌ویژه محصولاتی مانند سیب‌زمینی، پیاز و گوجه‌فرنگی به وجود می‌آید؛ مشکلی که گویی دیگر جنبه تاریخی پیدا کرده است. برخی سال‌ها تولید آن‌ها کم می‌شود و در سال‌های دیگر آن‌قدر زیاد می‌شود که برداشت آن‌ها به شدت غیراقتصادی شده و کشاورزان از برداشت، صرفه نظر می‌کنند. واقعاً چرا این مشکل حل نمی‌شود؟**

دلایل متعددی در این موضوع مؤثر می‌باشند:

■ برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در بحث تولید دولتی است، اما مدیریت بازار به‌عنوان رکن اصلی اقتصاد تولید غیردولتی و در اختیار شبکه و حاشیه بازار می‌باشد،

■ طی چند دهه گذشته مبنای برنامه توسعه‌ای بخش کشاورزی تولید محور بوده در حالی که در کشورهای توسعه‌یافته به‌صورت تقاضامحور و قراردادی انجام می‌گردد،

علمی و پژوهشی برای توسعه بخش مفید واقع می‌شود که:

- از نظر علمی و فنی قابل اجرا می‌باشد،
- مبتنی بر دانش بومی و میانی فرهنگی باشد،
- از نظر سیاست‌گذاری مقبول باشد،
- از نظر زیست‌محیطی ایمن باشد،
- از نظر اقتصادی تقاضامحور باشد.

### شرکت‌های دانش‌بنیان در بخش کشاورزی استان در چه سطح کمی و کیفی و تأثیرگذاری وجود دارند؟

هرچند در سنوات اخیر در بحث شرکت‌های دانش‌بنیان اقدامات و تلاش‌هایی صورت گرفته است، اما در توسعه بخش کشاورزی ملموس نبوده و در ابتدای راه می‌باشند؛ از آنجائی که فرآیند توسعه بخش کشاورزی فرآیندی پیچیده با مشکلات خاص خود می‌باشد و به عوامل متعدد در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی وابسته است به همان نسبت رفع مشکلات مذکور مستلزم تلاش و فعالیت‌های تقاضامند و همه‌جانبه می‌باشد. برنامه شرکت‌های مذکور در بحث برندینگ و صدور گواهی بهداشتی و تولید محصولات سالم می‌تواند نویدبخش افق تازه‌ای در توسعه بخش کشاورزی باشد.

### رابطه به‌اصطلاح «صنعت و دانشگاه» در بخش کشاورزی استان چگونه است؟ این رابطه در نوآوری‌های کشاورزی چه نقشی ایفا کرده است؟



بیانگر برنامه‌های اجرایی جهاد کشاورزی و به فعلیت رسیدن ظرفیت بالقوه این منطقه می‌باشد. (توسعه گلخانه‌ها، کشت خارج از فصل، ضریب مکانیزاسیون، تولید بذر، توسعه شبکه‌های آبیاری مدرن و ...)

■ جهاد کشاورزی جنوب استان کرمان در جهت اصلاح الگوی کاشت با تأکید بر بهینه کردن سطوح کاشت محصولات آسیب‌پذیر، مصرف بهینه آب، مزیت نسبی تولید و افزایش بهره‌وری و حفظ اشتغال، گام‌های بلندی برداشته است؛ برای مثال طی چند سال گذشته ضمن این‌که با مدیریت سطح زیرکشت و جایگزینی گونه‌های جدید، ۱۸ هزار هکتار سطح زیرکشت محصولات نظیر هندوانه، گوجه‌فرنگی و ذرت را کاهش داده است، اما با ارتقای عملکرد در واحد سطح میزان تولید منطقه را افزایش و پایدار نموده است (منبع: آمارنامه رسمی).

■ در زمینه توسعه کشت فشرده، بیش از ۲۴۰۰ هکتار گلخانه انواع محصولات جالیزی و سبزی و صیفی ایجاد نموده است و بیش از ده‌ها گونه زراعی و دارویی استراتژیک، اساسی و لوکس را وارد چرخه اقتصاد تجاری منطقه نموده است.

■ در بحث گندم میزان تولید را از ۳۰ درصد نیاز منطقه به بیش از ۳۰ درصد مازاد بر نیاز منطقه افزایش داده است. (از ۳۰ هزار تن به ۱۸۰ هزار تن)

■ از آنجائی که الگوی کاشت یک فرآیند زمان‌بر و التزاماً فراگیر می‌باشد به‌منظور پایداری تولید و جلوگیری از هرگونه زیان اقتصادی احتمالی بایستی همه استان‌ها با محور قرار دادن کشت تقاضامحور مبتنی بر بازار به‌صورت قراردادی در جهت پایداری تولید و افزایش و تضمین منافع کشاورزان و اقتصاد کلان بخش گام بردارند.

### طراحی و تصویب الگوی کشت مناسب، معطل رفع چه مشکلاتی است و اصولاً موفقیت الگوی کشت به چه عواملی بستگی دارد؟

■ تصویب قانون و تدوین آئین‌نامه و دستورالعمل اجرایی،

■ تدوین برنامه نظام‌مند، فراگیر، تقاضامحور الگوی کاشت مبتنی بر میبانی فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی با رعایت و حفظ محیط‌زیست، مدیریت منابع پایه، مزیت نسبی تولید و حفظ اشتغال،

■ توسعه زیرساخت‌های تولید و فناوری اطلاعات در جهت الگوی کاشت،

- توسعه خدمات بازرگانی، بازاریابی و بازار رسانی،
- فراهم کردن توسعه کشت به‌صورت قراردادی.

### در زمینه تولید و تجارت محصولات کشاورزی اثرات علمی و پژوهشی قابل‌توجهی توسط استادان و پژوهشگران ارائه شده است که به نظر می‌رسد چندان مورد توجه دولت و نیز تولیدکنندگان قرار نگرفته است، این کم توجهی به چه علت است؟

باوجود توسعه فعالیت‌های علمی و پژوهشی، متأسفانه به دلیل این‌که غالباً یا آکادمیک بوده و منطبق بر زیرساخت‌ها نمی‌باشد و یا کاربردی غیر مرتبط با ظرفیت‌ها و پتانسیل‌ها بوده و نتوانسته در جهت پویائی و توسعه بخش ایفای نقش نماید؛ به عبارتی فاصله تحقیقات و پژوهش با بخش اجرا، قابل‌توجه بوده و تقاضامحور نبوده است. زمانی فعالیت‌های

یکی از مشکلات شاخص بخش کشاورزی عدم توسعه صنایع کشاورزی در فرایند تولید و پس از تولید، متوازن با سطح زیرکشت و تولید می‌باشد که خود ناشی از عدم توازن نگرش‌ها و سیاست‌گذاری‌ها و اولویت‌گذاری‌های دستگاه‌های متولی با بخش کشاورزی بوده است.

هرچند ممکن است در دانشگاه‌ها فعالیت‌های خوبی انجام شده باشد، اما به لحاظ تقاضامحور نبودن و خلأ قابل‌توجه صنعت دارای اثرات ملموس نمی‌باشد. باوجود این‌که جنوب استان کرمان منطقه‌ای کشاورزی است در بحث مکانیزاسیون تولید یا قطعات مورد نیاز غالباً به صنعت سایر استان‌های کشور وابسته می‌باشد. از طرفی به لحاظ شرایط و روش‌های منحصر کاشت، بسیاری از ادوات و ماشین‌آلات تولیدی کشور قابلیت کار و استفاده را ندارند.

صنایع تولید نهاده‌ها نیز (کود، سم، بذر، نایلون و ...) رشد چندانی نداشته است و به دلیل این‌که محصولات تولیدی این منطقه خارج از فصل و نسبت به سایر نقاط کشور با هزینه بالاتری تولید می‌شود، سرمایه‌گذاری در این زمینه ملموس نیست.

متأثر از شرایط حاکم بر بازار میوه و تره‌بار کشور و هدفمند نبودن بازارهای صادراتی و شرایط تحریمی رشد صنایع بسته‌بندی، فرآوری و تکمیلی منطبق بر رشد کشت و تولید نمی‌باشد.

با توجه به برنامه‌های محوری بخش کشاورزی در جهت توسعه صنایع بسته‌بندی، فرآوری، نگهداری تبدیلی و تکمیلی و همچنین ارتقاء و بهبود روش‌های کاشت چنانچه دانشگاه و نیز بخش صنعت همسو با نیازهای بخش کشاورزی و بومی‌سازی صنعت بخش، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کنند به‌عنوان یکی از الزامات بنیادی می‌تواند در فرآیند توسعه بخش کشاورزی، ارتقای بهره‌وری و ارزش‌افزوده و بهبود شاخص‌های اقتصادی ایفای نقش نماید؛ درواقع تاکنون توسعه متوازن صنعت بخش کشاورزی مغفول مانده است.

### ○ شعار بخش کشاورزی استان در سال رونق تولید برای رسیدن به رونق تولید چیست؟

در راستای سیاست‌های اجرائی برنامه ششم توسعه و برنامه محوری وزارت جهاد کشاورزی، مدیریت کشت و تولید مبتنی بر برنامه و تقاضای بازار، افزایش کارایی مصرف آب، سیستم چند کشتی، تغذیه متعادل و تولید بهداشتی و سالم به‌عنوان شاخص رونق تولید مورد تأکید می‌باشد.

### ○ درمورد شناسایی و تحلیل ابعاد توسعه کشاورزی پایدار در استان چه اقداماتی انجام شده است؟ مهم‌ترین موانع و چالش‌های فرا راه توسعه کشاورزی پایدار و راه‌های برون‌رفت از این چالش‌ها چیست؟

در پاسخ به قسمت اول سؤال به اقدامات زیر اشاره می‌شود:

- مدیریت منابع آب با تأکید بر توسعه آبیاری تحت فشار و عملیات به زراعی کاهش مصرف آب،
- توسعه خاک‌ورزی حفاظتی،
- کاهش سطح زیرکشت محصولات آب‌بر و بهینه کردن سطوح

کاشت محصولات آسیب‌پذیر،

■ شناسایی پتانسیل‌های بالقوه در جهت تجاری‌سازی کشت‌های جدید قابل جایگزین استراتژیک، اساسی و دارای مزیت نسبی (زراعی، باغی، دارویی و صنعتی)،

■ توسعه کشت‌های متنوع گلخانه‌ای،

■ برنامه‌های محوری آموزشی و پیش‌آگاهی بهره‌برداران در جهت تولید محصول سالم، بسته‌بندی و مارکتینگ،

■ برنامه‌های محوری در جهت تولید بذر، نشاء و نهال‌های بوم سازگار،

■ تدوین برنامه الگوی کاشت مبتنی بر بهره‌وری آب بازار،

■ برنامه‌ریزی در جهت توسعه کشت‌های تقاضامحور و به‌صورت قراردادی.

مهم‌ترین چالش‌های موانع توسعه کشاورزی نیز به شرح زیر خلاصه می‌گردد:

■ تغییرات اقلیمی، کاهش کمی و کیفی منابع آب دشت‌ها، قطع و مهار سرشاخه‌های هلیل‌رود،

■ شیوع امراض و آفات قرنطینه‌ای در باغات مرکبات و نخلستان در منطقه،

■ خشک شدن تالاب جازموریان و خطر توسعه کویر زدایی و خسارت ناشی از گردوغبار،

■ عدم وجود اهرم قانونی و دستورالعمل اجرایی در جهت مدیریت سطوح کاشت،

■ دولتی بودن اقتصاد تولید (سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی) و نظام‌مند نبودن بازار،

■ مستهلک شدن ساختار بخش و عدم توسعه صنعت،

■ نظام‌مند نبودن ساختار بازرگانی، بازار رسانی و صادرات محصولات (شرایط بین‌المللی)،

رفع مشکلات و چالش‌های مورد نظر در گرو اقدامات زیر می‌باشد:

■ تأمین منابع و سرمایه‌گذاری منطبق بر اهداف و انتظارات از بخش،

■ توسعه صنوف کشاورزی و کاهش تصدی‌گری صرف دولت در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری،

■ توسعه هدفمند کشت و تولید به‌صورت قراردادی.

### ○ چنانچه توضیحات بیشتری را به‌ویژه در مورد «اصلاح الگوی کشت» لازم می‌دانید، بفرمایید.

از آنجائی که الگوی کاشت فرآیندی پیچیده و زمان‌بر می‌باشد و به عوامل مختلفی از مبانی فرهنگی و دانش بومی، سیاسی، اقتصادی، نظام بهره‌برداری و مالکیتی، مبانی بوم‌شناختی و اقلیمی وابسته می‌باشد؛ بایستی برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در جهت اصلاح الگوی کاشت به‌صورت فراگیر، قانونی و اخلاق مدارانه با رعایت کلیه ابعاد مؤثر بر آن به‌صورت میان‌مدت و بلندمدت تعیین و اجرا گردد، در غیر این صورت هرگونه برنامه دستوری نه‌تنها اهداف الگوی کاشت را محقق نمی‌کند بلکه با استمرار هرز منابع پایه، پایداری تولید و امنیت غذایی را با خطر جدی روبرو خواهد ساخت. ●